

برجام و بازتعریف جایگاه ایران در منطقه



پیرمحمد ملازی

تحلیلگر مسائل افغانستان

آمریکاسعی دارد ایران هم به عنوان یکی از مهمترین همسایگان افغانستان در نشست استانبول حضور پیدا کند. اینجا نگاه ایران است که عملا سبب شده کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای تهران را از تح‌کات سیاسی و دیپلماتیک مانند نشست استانبول و قبل‌تر از آن نشست مسکو و یا دوحه حذف کنند. به واقع عملکرد ایران در منطقه سبب شده‌است که فرصت‌های دیپلماتیک از او سلب شود. البته هنوز فرصت برای حضور فعال ایران در پروسه صلح افغانستان و نشستی مانند استانبول به‌طور کامل از بین نرفته‌است. برای این منظور باید ایران یک بازیگری جدی و اساسی در سیاست خارجی منطقه‌ای خود، به خصوص در مساله افغانستان داشته باشد. البته طبق اخبار به نظر می‌رسد مقامات ایران در جریان نشست استانبول، برخلاف نشست مسکو قرار گرفته است. خود این امر نشان می‌دهد هنوز بازیگران دخیل در نشست استانبول قائل به وزن و جایگاه حداقلی جمهوری اسلامی ایران در آینده افغانستان هستند، اما این مساله تا حد

بسیار زیادی به عملکرد و نوع نگاه خود تهران بستگی دارد که حتی همین جایگاه حداقلی را هم از جمهوری اسلامی بگیرند یا اینکه‌وزن سیاسی و دیپلماتیک بیشتری برای تهران در پروسه صلح افغانستان قائل شوند. باید واقمیت‌ها را ببینیم و بر اساس این واقمیت‌ها عمل کنیم. در مورد بخشی‌نگری تهران که عمدتاً بر مبنای ایدئولوژی شیعی در قبال افغانستان است این امر سبب شده ایران نگاه نزدیک‌تر و حمایت بیشتری از فارسی‌زبانان افغانستان و مجاهدین سابق و جناح مربوط به عبدا... عبدا... داشته باشد. حال نکته اینجااست که سال‌های اخیر که منجر به افزایش وزن و قدرت طالبان شده ایران را متوجه این واقعیت کنند که باید مناسبات خود را با پشتون‌های افغانستان هم ارتقا دهد. چون دیگر نمی‌تواند با نگاه بخشی‌نگرانه و عدم توازن در برقراری ارتباط، منافع بلندمدتی را برای خود در افغانستان تعریف کند. اما در این بین نباید نگاه به سمتی برود که ما این تصور غلط را داشته باشیم همه پشتون‌های افغانستان در طالبان خلاصه می‌شوند. یعنی نگاه غلطی که اکنون باعث ناراحتی متحدان سنتی ایران در افغانستان شده این است که ایران این تصور را دارد که چون طالبان اکنون علیه آمریکا می‌جنگد و خواهان خروج نیروهای ایالات متحده از خاک افغانستان است باید مناسباتی را با طالبان تعریف کنیم. یعنی تهران نگاهی مشابه عراق و سوریه به طالبان در افغانستان دارد. لذا چون ایران تنش جدی با ایالات متحده دارد هر نیروی مخاصم علیه آمریکا را دوست خود تلقی می‌کند که این نگاه اشتباه است. یعنی ایران سعی دارد همانند عملکرد خود در خاورمیانه از اهرم طالبان برای تقابل با ایالات متحده در افغانستان استفاده کند که در نهایت منجر به اخراج کامل نیروهای نظامی آمریکا از خاک این کشور شود، نظیر آنچه سال‌هاست در سوریه و عراق در جریان است. این تصور قطعاً در بخشی از حاکمیت وجود دارد و کسی نمی‌تواند منکر آن شود، به خصوص در بخش امنیتی و نظامی. واقمیت این است که اگر چه طالبان بخشی از جامعه پشتون است، ولی تمامیت پشتون‌های افغانستان را شامل نمی‌شود. بنابراین ایران در نگاه راهبردی دیپلماتیک خود در قبال افغانستان باید قائل به این تفکیک اساسی بین طالبان و پشتون‌های افغانستان شود. ولی به دلیل خلأ این تفکیک، اکنون بخشی از حاکمیت در ایران، سیاست خارجی را در خصوص افغانستان به این مسیر کشانده‌اند که روابط راهبردی با طالبان تعریف کنند.

چنانکه امضای سند همکاری‌های راهبردی ۲۵ ساله ایران با چین و همچنین سند همکاری‌های راهبردی با روسیه موید این امر است نگاه در بخش اعظم حاکمیت ایران در قبال بیپلماسی است. در حالی که واقمیت‌های سیاست خارجی خلاف این امر را نشان می‌دهد. چون شرق هم با محوریت روسیه و چین اکنون روابط خود با ایران را به‌حالتی از سکون و تعلیق تا زمان تعیین تکلیف ایران یا آمریکا در خصوص برجام در آورده است. کما اینکه در روس‌ها نشست مسکو عملاً ایران را کنار گذاشته و حتی تهران را در جریان خروجی نشست قرار نداده‌اند. به همین خاطر اکنون پکن و مسکو بیشتر از آمریکایی‌ها و کشورهای اروپایی مشتاقند نشست وین به لغو تحریم‌ها و احیای توافق هسته‌ای منجر شود.

شنبه
۱۴۰۰۰۵۲۰۱۸
شماره ۱۰۰۵
سال چهارم
۲۵ رمضان ۱۴۴۲ ه‍. ق
م‍ی ۲۰۲۱

احمدزیدآبادی در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

سرنوشت اصلاح طلبان به شورای نگهبان گره خورده‌است

بیش‌از کارگزارانی در نهایت برفضای اصلاحات غلبه خواهد کرد

محافظه‌کاران روی ظرف حساس هستند

لاریجانی در مواضع خود تجدیدنظر کرده،نه‌علمی

ظریف‌برای حضور در انتخابات ترغیب‌می‌شود

اصلاح‌طلبان در ایجاد موقعیت منفی عارف در جامعه موثر بودند

تاج‌زاده درصلاحیت خواهد شد

دغدغه‌اصلی کارگزاران سازندگی شراکت در قدرت است



عکس: آرمان ملی /فاطمه فتاحی

آرمان ملی - احسان انصاری: احمدزیدآبادی دبیرکل سابق سازمان دانش‌آموختگان ایران اسلامی (ادوار تحکیم) و عضو سابق هیات‌مدیره انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ایران است. «آرمان ملی» در گفت‌وگو با احمدزیدآبادی به بررسی مهم‌ترین چالش‌ها و فرصت‌های پیش‌روی جریان اصلاحات در آستانه انتخابات ریاست‌جمهوری پرداخته است. زیدآبادی در این گفت‌وگو به صراحت پیروزی جریان اصلاحات در انتخابات را از واقمیت دور می‌داند و معتقد است: «همه‌چیز در کنترل اصلاح‌طلبان نیست و سرنوشت اصلاح‌طلبان در نهایت به شورای نگهبان گره خورده‌است. در چنین شرایطی اگر فرض بگیریم شورای نگهبان آقای تاج‌زاده را تأییدصلاحیت کند ممکن است در بدنه جریان اصلاحات نوعی احساس تکلیف به وجود بیاید و شور و نشاط انتخاباتی نسبت به گذشته بیشتر شود. با این وجود در واقمیت افرادی مانند آقای تاج‌زاده تأییدصلاحیت نخواهند شد و تعداد افرادی که در نهایت تأیید خواهند شد در حد دو یا سه نفر خواهد بود. در این بین تنها آقای عارف شانس تأییدصلاحیت دارد و این احتمال وجود دارد که آقای جهانگیری و پزشکیان نیز در نهایت درصلاحیت شوند. به‌صورت طبیعی نیز چنین افرادی از شانس زیادی برای پیروزی در انتخابات برخوردار نیستند.» در ادامه ماحصل گفت‌وگوی «آرمان ملی» با احمدزیدآبادی را می‌خوانید.

◀ **گفتمان اصلاحات در آستانه انتخابات ریاست‌جمهوری**

در چه وضعیتی قرار گرفته است؟ آیا استراتژی‌ای که

اصلاح‌طلبان برای ورود به انتخابات در پیش گرفته‌اند در نهایت به نتیجه مطلوب خواهد رسید؟

هنوز استراتژی مشخصی از اصلاح‌طلبان مشخص نشده است. در شرایط کنونی طیف‌های مختلف جریان اصلاحات دارای نگرش‌ها و دیدگاه‌های متفاوتی هستند. نهاد اجماع‌ساز جریان اصلاحات به دنبال حضور در انتخابات با کاندیدایی است که از فیلتر شورای نگهبان عبور کند. به همین دلیل کسانی که اصلاح‌طلب واقعی و اصیل باشند و در شرایط کنونی بتوانند از فیلتر شورای نگهبان عبور کنند بسیار کم و انگشت‌شمار هستند. این وضعیت در افرادی مانند عارف، جهانگیری و پزشکیان خلاصه شده است. اصلاح‌طلبان به دنبال این هستند که یکی از این افراد را به عنوان کاندیدای جریان اصلاحات معرفی کنند که این افراد نیز در شرایط کنونی از قابلیت رأی‌آوری برخوردار نیستند. بنده معتقدم در انتخابات آینده ریاست‌جمهوری جریان اصلاحات شانس‌های پیروزی نخواهد داشت. اگر استراتژی اصلاح‌طلبان این است که همچنان در پاستور باقی بمانند و کسی را انتخاب کنند که به جریان اصلاحات نزدیک باشد با واقمیت فاصله دارد. در این مقطع زمانی استراتژی اصلاح‌طلبان به پایان کار خود رسیده است.

◀ **در بین اسامی‌ای که شما برای عبور از فیلتر شورای نگهبان نام برده‌اید نام آقای ظریف نبود. آیا گمان می‌کنید آقای ظریف از فیلتر شورای نگهبان عبور خواهد کرد؟**

آقای ظریف فعلا و رسمی حرفی از کاندیداتوری نداشته‌است. از سوی دیگر آقای ظریف یک شخصیت جامع‌الاطراف نیست که بتواند در سیاست داخلی و مسائل اقتصادی تأثیرگذار باشد. بنده معتقدم برخی ایشان را تحت‌فشار قرار داده‌اند که در انتخابات حضور پیدا کند. هر چه هم آقای ظریف به این افراد پاسخ منفی می‌دهد این افراد در دیواره‌های باز می‌کنند که آقای ظریف پاسخ مثبت بدهد. هدف این افراد این است که ظریف در انتخابات حضور پیدا کند و به پیروزی دست پیدا کند یا اگر به پیروزی نیز نرسید حداقل به اندازه طرف مقابل رأی به دست بیاورد. نکته قابل‌تأمل این است که محافظه‌کاران روی ظرف حساس هستند. محافظه‌کاران ظریف را در مقام وزیر امور خارجه تحمل نمی‌کنند، چه برسد در مقام ریاست‌جمهوری. اگر ماجرا افشای فایل صوتی گفت‌وگوی آقای ظریف نیز رخ نمی‌داد به شکل‌های دیگر ایشان را تحت‌فشار قرار می‌دادند تا با توجه به روحیه‌ای که آقای ظریف دارد از انتخابات کناره‌گیری کند. واقمیت این است که حضور آقای ظریف از مدت‌ها قبل ضعیف بوده و در شرایط کنونی نیز تقریباً بعید شده است. به همین دلیل نمی‌توان آقای ظریف را به عنوان کاندیدای مورد اجماع اصلاح‌طلبان و میانه‌روها قلمداد کرد.

◀ **آقای ظریف در نهاد اجماع‌ساز بیش از همه رأی داشته و تقریباً در بین پیشنهادات همه احزاب اصلاح‌طلب نام آقای ظریف وجود داشته‌است. در چنین شرایطی نیز شانس‌های برای ورود ایشان به انتخابات قائل نیستید؟**

آقای ظریف هم تصمیم برای ورود به انتخابات نگرفته و تنها از سوی احزاب اصلاح‌طلب ایشان به نهاد اجماع‌ساز پیشنهاد شده است. فاصله آقای ظریف با سایر گزینه‌های جریان اصلاحات زیاد هم معنادار نیست و ایشان تنها دور‌آی بیشتر از آقای جهانگیری و پنج رأی بیشتر از آقای تاج‌زاده داشتند. اگر فرض بگیریم به جای آقای ظریف، آقای تاج‌زاده به عنوان نفر اول رأی به دست می‌آوردند مشکلی را حل نمی‌کرد. مهم نیست چه کسی در نهاد اجماع‌ساز به عنوان نفر اول یا آخر معرفی شود. نکته حائز اهمیت این است که سازوکار انتخابات به شکلی است که شورای نگهبان در آن نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. به همین دلیل اینکه اصلاح‌طلبان از چه کسی حمایت کنند و چه کسی در نهاد اجماع‌ساز بیشترین رأی را به دست می‌آورد در اولویت بعدی قرار می‌گیرد.

◀ **دلیل شما برای اینکه معتقدید اصلاح‌طلبان چه از فیلتر شورای نگهبان عبور کنند و چه نکنند در نهایت بازنده انتخابات خواهند بود، چیست؟ با توجه به چه نشانه‌هایی چنین دیدگاهی دارید؟**

همه‌چیز در کنترل اصلاح‌طلبان نیست و سرنوشت اصلاح‌طلبان در نهایت به شورای نگهبان گره خورده است. در چنین شرایطی اگر فرض بگیریم شورای نگهبان آقای تاج‌زاده

armanmeli.ir

آرمان ملی

سیاسی ۱۱

یادداشت

عربستان به دنبال چیست؟



حسن‌هانی‌زاده

تحلیلگر مسائل بین‌الملل

دیدار محرمانه سهبید خالد الحمیدان رئیس سازمان اطلاعات و امنیت عربستان از دمشق و گفت‌وگو با مقامات سوریه حکایت از تغییر نگاه عربستان نسبت به فضای منطقه و محور مقاومت دارد. سهبید خالد الحمیدان، که از شخصیت‌های نزدیک به محمد بن سلمان ولیعهد عربستان تلقی می‌شود، در جریان سفر به دمشق با بشار اسد رئیس‌جمهوری، علی مملوک، معاون رئیس‌جمهوری در امور امنیتی و فیصل مقداد، وزیر خارجه سوریه دیدار و گفت‌وگو کرد. محور گفت‌وگوها پیرامون برقراری مجدد رابطه بین دمشق و ریاض، افتتاح سفارت عربستان در دمشق و بازگشت سوریه به اتحادیه عرب بود؛ ضمن اینکه رئیس‌جمهوری سوریه آمادگی کشور خود را برای افتتاح سفارت این کشور در ریاض اعلام کرد. براساس گزارش‌های موجود قرار است پس از ماه مبارک رمضان، فیصل بن فرحان، وزیر خارجه عربستان برای بازگشایی رسمی سفارت عربستان به دمشق سفر کند. از

سوی دیگر گمانه‌زنی‌هایی وجود دارد که سوریه قرار است عدنان محمود سفیر سابق سوریه در تهران و وزیر اطلاع‌رسانی سابق این کشور را به عنوان سفیر جدید به ریاض اعزام کند. صرف‌نظر از نیت پنهان عربستان برای نزدیک شدن به ایران و سوریه به عنوان دو کشور تأثیرگذار محور مقاومت تحلیل‌ها نشان می‌دهد که شکست دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری سابق در انتخابات ۲۰۲۰ آمریکا و پیروزی جو بایدن، نامزد حزب دموکرات در تغییر رویکرد سیاسی عربستان بی‌تأثیر نیست. تیم جو بایدن برخلاف تیم دونالد ترامپ نظر مساعدی نسبت به سیاست‌های تهاجمی محمد بن سلمان ولیعهد عربستان و بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل ندارد؛ زیرا این دو فرد هژینه‌های سیاسی بالایی به لحاظ حیثیتی برای آمریکا داشته‌اند. پرونده قتل جمال خاشقچی روزنامه‌نگار برجسته سعودی و فساد مالی نتانیاهو و همسرش سارا در مدار توجه تیم سیاسی جو بایدن قرار دارد؛ هر چند بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل به دلیل نفوذ بالای لابی صهیونیستی در آمریکا، شرایط پایدارتری نسبت به بن سلمان دارد. تیم جو بایدن اعتقاد دارد محمد بن سلمان با بهره‌گیری از چتر حمایتی دونالد ترامپ فراتر از حجم سیاسی عربستان در منطقه و در ساختار داخلی این کشور ایفای نقش کرده و این نقش در نهایت تنها در خدمت اهداف شخصی دونالد ترامپ بوده است. حصر خانگی بیش از ۶۰۰ تن از شاهزادگان سعودی از جمله شاهزاده محمد بن نایف، ولیعهد سابق عربستان که رابطه تنگاتنگی با دموکرات‌ها دارد را مخالفت تیم جو بایدن مواجه شده است. لذا محمد بن سلمان که احساس می‌کند جو بایدن درصدد انتخاب محمد بن نایف به عنوان ولیعهد برآمده است در برابر فشار آمریکا برای آزادی این شاهزاده بر نفوذ سعودی مقاومت می‌کند و این امر شکاف بین ریاض و واشنگتن را تشدید کرده است. از این رو حاکمیت در عربستان به ویژه شخص محمد بن سلمان درصدد است یک حاشیه‌امن در منطقه ایجاد کند تا بتواند با تکیه بر این حاشیه‌امن منطقه‌ای و کاهش تنش ۳ کشور محوری منطقه یعنی ایران، سوریه و عربستان در صورت بروز فحان، وز بر خارجه عربستان و در صورت تنش محمد بن جنگ یمن، اظهارنظر‌های دوستانه و مثبت محمد بن سلمان در مورد ایران و سفر اخیر رئیس‌سازمان اطلاعات و امنیت عربستان به دمشق در این چارچوب قابل‌تجزیه و تحلیل است. اگر چه عربستان در طول بحران ۱۰ ساله سوریه نقشی کاملاً تریبی در رویکرد انتخاباتی خود مانند کارگزاران سازندگی فکری می‌کنند و به همین دلیل به نظر می‌رسد در انتخابات آینده در نهایت بیش‌از کارگزارانی برفضای اصلاحات غلبه پیدا خواهد کرد.

◀ **ارزبایی شما از رفتارشناسی حزب کارگزاران سازندگی در شرایط کنونی چیست؟**

حزب کارگزاران سازندگی دارای رویکرد منسجم نیست. در این حزب از فائزه هاشمی حضور دارند تا آقای عطرناغفر و لیلاز. اگر به اظهارات این سه نفر دقت کنیم متوجه می‌شوید که اظهارات این افراد حتی در شکل کلی هم به هم شباهت ندارد. واقمیت این است که دغدغه اصلی حزب کارگزاران شراکت در قدرت است. شاید اگر این حملات به دنبال گزینه‌هایی هستند که این شراکت را به صورت حداقلی تضمین کند. برخی از اعضای این حزب ادامه فعالیت‌های خود را از طریق پیوندهای دولتی جست‌وجو می‌کنند. به همین دلیل نیز در هر دوره انتخابات به همین شیوه عمل می‌کنند. با این وجود در انتخابات ریاست‌جمهوری آینده باید مشاهده کرد که نهاد اجماع‌ساز به چه صورت تصمیم‌گیری خواهد کرد. این در حالی است که برخی از اعضای نهاد اجماع‌ساز و از جمله آقای نبوی در رویکرد انتخاباتی خود مانند کارگزاران سازندگی فکر می‌کنند و به همین دلیل به نظر می‌رسد در انتخابات آینده در نهایت بیش‌از کارگزارانی برفضای اصلاحات غلبه پیدا خواهد کرد.

◀ **در گفتمان اصلاحات دو خرده‌گفتمان در قدرت و در قدرت به وجود آمده‌است. برخی معتقدند باید فاصله‌نقدانده اصلاح‌طلبان با قدرت حفظ شود و در مقابل برخی معتقدند اصلاح‌طلبان باید با حضور در قدرت به اهداف خود دست پیدا کنند. به نظر شما در نهایت کدام خرده‌گفتمان به پارادایم غالب در جریان اصلاحات تبدیل خواهد شد؟**

گفتمان در قدرت و بر قدرت به صورت کامل در جریان اصلاحات وجود ندارد. همه اصلاح‌طلبان به صورت کم‌وبیش بر این باور هستند که هم باید جایی در قدرت داشته باشند و هم در جامعه مدنی. اتفاقاً نقطه‌ضعف اساسی نیز در همین مورد است. به دلیل اینکه این دو یا نمی‌تواند به صورت هماهنگ با هم حرکت کند و به همین دلیل تعادل این جریان را به هم می‌زند و مرتب زمین می‌خوردند. تنها در دوره‌های اخیر انتخابات موسوعاتی مطرح شده که برخی عنوان می‌کنند جریان اصلاحات باید به صورت مشروط در انتخابات مشارکت داشته باشند. این در حالی است که برخی معتقدند باید به هر قیمتی در انتخابات حضور پیدا کرد. اختلافات نیز در همین حد است. در شرایط کنونی نیز رویکردی که غلبه پیدا کرده این است که جریان اصلاحات به هر شکلی در انتخابات شرکت کند. بقیه کسانی که چنین رویکردی را دنبال نمی‌کنند تک‌چهره‌هایی‌اند که دارای استقلال‌رای هستند.

را تأییدصلاحیت کند ممکن است در بدنه جریان اصلاحات نوعی احساس تکلیف به وجود بیاید و شور و نشاط انتخاباتی نسبت به گذشته بیشتر شود. با این وجود در واقمیت افرادی مانند آقای تاج‌زاده تأییدصلاحیت نخواهند شد و تعداد افرادی که در نهایت تأیید خواهند شد حد دو یا سه نفر خواهد بود. در این بین تنها آقای عارف شانس تأییدصلاحیت دارد و این احتمال وجود دارد که آقای پزشکیان نیز در نهایت درصلاحیت شود. به صورت طبیعی نیز چنین افرادی از شانس زیادی برای پیروزی در انتخابات برخوردار نیستند.

◀ **آیا آقای عارف به عنوان گزینه‌نهایی‌شناسی برای پیروزی در انتخابات ندارند، این در حالی است که یکی از محاسن مهم ایشان برای اصلاح‌طلبان در صد بالای تأییدصلاحیت است. آیا آقای عارف با عبور از فیلتر شورای نگهبان می‌تواند در جریان اصلاحات اجماع ایجاد کند؟**

بنده معتقدم عبور از فیلتر شورای نگهبان لزوماً سخن نیست که بخواهیم آن را به عنوان مزیت در نظر بگیریم. روحیه آقای عارف بیشتر تکنوکراتیک و بوروکراتیک است. شرایط ایشان به شکلی نبوده که در فضای سیاسی

به دنبال جنگ و ستیزه باشند. این در حالی است که در برخی مقاطع نیز مواضعی اتخاذ کرده‌اند که مورد انتقاد برخی از اصلاح‌طلبان قرار داشته است. آقای عارف در مجلس شورای اسلامی در موقعیتی قرار گرفت که انتظار زیادی از ایشان می‌رفت. این انتظار نیز در عمل قابل‌تحقق نبود. در چنین شرایطی اصلاح‌طلبان، که مورد انتقاد مردم و بدنه اجتماعی جریان اصلاحات قرار گرفته بودند، آقای عارف را به سیبل مورد انتقاد قرار دادند. در نتیجه اصلاح‌طلبان در ایجاد موقعیت منفی برای آقای عارف در جامعه موثر بودند. شاید اگر این حملات به آقای عارف صورت نمی‌گرفت ایشان در انتخابات رأی متفرقی نیز کسب می‌کردند. بنده معتقدم شرایط برای پیروزی اصلاح‌طلبان فراهم نیست و تنها اینکه در فضای انتخابات مسائل مهم کشور توسط اصلاح‌طلبان مطرح شود محتمل است. اصلاح‌طلبان اگر قصد داشته باشند ایشان را به عنوان گزینه‌نهایی خود معرفی‌کنند یک رویکرد پارادوکسیکال رخ داده است. اگر اصلاح‌طلبان قصد داشته باشند آقای عارف را به عنوان گزینه‌نهایی خود مطرح کنند با ریشخند اجتماعی مواجه خواهند شد. این در حالی است که در صورتی که ایشان را به عنوان گزینه‌نهایی معرفی‌کنند با تعارض منطقی مواجه خواهند شد. اگر فرض بگیریم تنها گزینه‌ای که از جریان اصلاحات تأییدصلاحیت خواهد شد آقای عارف است. سوال

اینجاست که بخشی از جریان اصلاحات که منتقد آقای عارف هستند قصد دارند از ایشان حمایت کنند یا اینکه تلاش می‌کنند از افرادی مانند آقای لاریجانی حمایت کنند. واقمیت این است که عارف از لاریجانی اصلاح‌طلب‌تر است. اصلاح‌طلبان در سال‌های اخیر خوب فکر نکرده و دارای برنامه منسجمی نبوده‌اند. به همین دلیل نیز باری به هر جهت تصمیم‌گیری کرده‌اند و چشم‌انداز مشخصی برای خود ترسیم نکرده‌اند. این مسائل باعث چالش‌های کنونی در جریان اصلاحات شده است.

◀ **با توجه به اینکه بخش‌هایی از بدنه جریان اصلاحات نسبت به عدم حضور در انتخابات ۹۸ پشیمان هستند و معتقدند اگر در انتخابات شرکت می‌کردند شرایط ترکیب مجلس یازدهم به این شکل نمی‌شد آیا این احتمال وجود دارد که شرایط انتخابات ریاست‌جمهوری نیز دوباره در وضعیت انتخاب بین بد و بدتر قرار بگیرد و بخش‌هایی از اصلاح‌طلبان به فکر حمایت از لاریجانی در مقابل گزینۀ اصولگرایان باشند؟**

معتقدم کسانی که در انتخابات مجلس رأی ندادند فکر می‌کنند مجلس یازدهم تیلور واقعی‌تری از نظام سیاسی است. شاید افرادی‌اندکی چنین دیدگاهی داشته باشند اما اکثریت کسانی